



Examining the Behavioral Patterns and Attitudes of White-Collar and Red-Collar Criminals

Asieh Khalifezade Yazdi¹, Seyed Mahmoud Mirkhalili^{*2}, Shahraddar Darabi³, Mohammad Hossein Zarei⁴

1. Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Aras International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Professor, Aras International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Visiting Professor, Aras International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

4. Professor, Aras International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 219-230

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-1955-1895

TELL: +989128146311

Email: mirkhalili@ut.ac.ir

Article history:

Received: 29 Jan 2024

Revised: 26 Mar 2024

Accepted: 10 May 2024

Published online: 21 Jun 2024

Keywords:

Red Collas, White Collar,
Murder, Suicide.

ABSTRACT

Red-collar crimes are a subset of white-collar crimes in which the perpetrator commits violence to avoid detection or prosecution. In other words, when a person is threatened with the discovery of a fraud, they resort to violent measures to silence the discoverer in order to prevent any further disclosure. Therefore, the threat of fraud detection acts as a motivation for these violent crimes. The purpose of this article is to examine the question of what are the patterns and attitudes of white-collar and red-collar criminals? This article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned question by using the library method. The findings indicate that red-collar crimes are increasing compared to other types of collar crimes such as black-collar crimes, blue-collar crimes, green-collar crimes and pink-collar crimes. Fraud discoverer murder is also used to describe red-collar crime and criminals are considered red-collar because they are both in the realm of white-collar crime and in the realm of violent crime. Most people mistakenly believe that red-collar crimes are separated incidents. Although many consider red-collar crimes to be crimes of passion, the real motive behind these violent and heinous acts is to cover up fraud.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Khalifezade Yazdi, A; Mirkhalili, SM; Darabi, SH & Zarei, MH (2024). "Examining the Behavioral Patterns and Attitudes of White-Collar and Red-Collar Criminals". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(2): 219-230.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

بررسی الگوها و نگرش‌های رفتاری مجرمین یقه‌سفید و یقه‌سرخ

آسیه خلیفه‌زاده یزدی^۱، سید محمود میرخلیلی^{۲*}، شهرداد دارابی^۳، محمدحسین زارعی^۴

۱. دانشجوی دوره دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. عضو هیأت‌علمی پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. عضو هیأت‌علمی مدعو پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. عضو هیأت‌علمی پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

جرائم یقه‌سرخ زیرگروهی از جرائم یقه‌سفیدها است که در آن مرتکب برای اجتناب از کشف یا پیگرد قانونی، دست به خشونت می‌زند. به عبارتی هنگامی که فردی با تهدید به کشف کلاهبرداری مواجه می‌شود، برای ساکت کردن کاشف، دست به اقدامات خشونت‌آمیز می‌زند تا از هرگونه افشای بیشتر جلوگیری شود. بنابراین تهدید به کشف کلاهبرداری به‌عنوان انگیزه این جرائم خشونت‌آمیز عمل می‌کند. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که الگوها و نگرش‌های رفتاری مجرمین یقه‌سفید و یقه‌سرخ چگونه است؟ این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که جرائم یقه‌سرخ‌ها در مقایسه با سایر انواع جرائم یقه‌ای، مانند جرائم یقه‌سیاه، جرائم یقه‌آبی، جرم یقه‌سبز و جرائم یقه‌صورتی در حال افزایش است. قتل کاشف تقلب نیز برای توصیف جرم یقه‌سرخ‌ها استفاده می‌شود و مجرمان یقه‌سرخ تلقی می‌شوند، زیرا هم در عرصه جرم یقه‌سفید و هم در عرصه جرم خشونت‌آمیز قرار دارند. اکثراً به اشتباه معتقدند که جرائم یقه‌سرخ‌ها حوادثی مجزا هستند، اگرچه بسیاری از جرائم یقه‌سرخ‌ها را جنایات هیجانی می‌دانند، اما انگیزه واقعی پشت این اعمال خشونت‌آمیز و شنیع پنهان کردن کلاهبرداری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۱۹-۲۳۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۸۹۵-۱۹۵۵-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۸۱۴۶۳۱۱

ایمیل: mirkhalili@ut.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

یقه‌سرخ‌ها، یقه‌سفیدها، قتل، خودکشی.



مقدمه

جرمین یقه‌سرخ، همان مجرمان یقه‌سفید هستند و دقیقاً همان تعریف و همان ویژگی‌ها را دارند، اما یک تفاوت دارد و آن این است که مجرمان یقه‌سرخ، جرایم خود را با خشونت انجام می‌دهند و این خشونت را بر سر کسانی خالی می‌کنند که در جریان امور جرایم یقه‌سفیدها بودند. مهم‌ترین ویژگی یقه‌سفیدها نرمش و آرامش بود که جرایم یقه‌سرخ‌ها این ویژگی را ندارد. جرایم یقه‌سرخ‌ها پدیده‌ای است که زمانی رخ می‌دهد که جرم یقه‌سفیدی^۱ به خشونت فیزیکی و/یا مرگ تبدیل می‌شود. منظور از جرم یقه‌سفیدها به مجرمانی گفته می‌شود که با سوءاستفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می‌شوند (اکبرزاده بنگر و پوراسکی روجا، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۳۹). بزهکاران یقه‌سفید که اصولاً فاقد وجدان اخلاقی اند، از یک‌سو از توان و استعداد بزهکاری بسیار زیادی برخوردارند و از سوی دیگر، میزان سازکاری و قابلیت اجتماعی آنان نیز بالا است (موسوی مجاب، ۱۳۸۳: ۸۴-۶۱).

فرانک اس پری^۲، اصطلاح جرم یقه‌سرخ را پس از مطالعه ۲۷ قتلی که هم‌زمان یا قبل از وقوع جنایات مرگ‌بار یقه‌سفیدها اتفاق افتاد، ابداع کرد. مقاله حاضر با استفاده از تجزیه و تحلیل مطالعه موردی ویژگی‌های رفتاری این بزهکار را مطابق با تعریف پری تحلیل می‌کند. ویژگی‌هایی مانند استحقاق، عدم همدلی، جهت‌گیری قدرت، منطقی‌سازی، استثمار و بی‌توجهی کلی به قوانین و هنجارهای اجتماعی همگی در این نمونه در راستای نظریه پری یافت شدند.

بسیاری از محققان به جنایات افراد در راس قدرت توجه کرده‌اند (Bonger, 1916: 11)، اما ادوین ساترلند اولین کسی بود که مجرمان «یقه‌سفید» را شناسایی کرد. در سال ۱۹۳۹، ساترلند جرم یقه‌سفید را با مقایسه طبقات بالا و پایین جامعه تعریف کرد. او مشاهده کرد که تاجران طبقات بالای جامعه مرتکب انواع خاصی از جرم می‌شوند (Sutherland, 1939: 44). ساترلند بعداً تعریف خود از جرم یقه‌سفید را به اصطلاحی که اکنون جا افتاده، اصلاح کرد، یعنی افرادی که دارای موقعیت

بالایی هستند و قدرت زیادی در حرفه خود دارند و مرتکب فساد می‌شوند (Sutherland, 1949: 49). برخلاف بزهکار سطح خیابان، زمانی تصور می‌شد که بزهکار یقه‌سفید بزهکار یک‌باره هستند، اما حتی این بزهکار نیز تمایل زیادی به رفتارهای قانون‌شکن از خود نشان دادند (Benson & Kerley, 2001: 67).

جامعه کنونی اغلب شناخت چندانی از چیستی جرم یقه‌سفید ندارند، چون مملو از تصورات غلط است. در این مقاله سعی خواهد شد تا به این تصورات غلط رایج و پیامدهای بالقوه آن‌ها پرداخته و همچنین با مروری مختصر از تاریخچه و تعاریف کنونی جرم یقه‌سفید نتیجه گرفته خواهد شد که بزهکار یقه‌سفید رفتارهای پرخاشگرانه مشابهی با بزهکار یقه‌سرخ از خود بروز می‌دهند (Alalheito & Azarian, 2018: 215-226). ویژگی‌های رفتاری آن‌ها، عوامل خطر مهمی برای انواع جرم تلقی می‌شوند. کاربرد بالقوه برای جرایم یقه‌سفید منطقی است (Listwan et al, 2010: 78).

در تحقیقات بیشتری که در مورد جرایم یقه‌سفیدها انجام گرفته، زیرمجموعه‌هایی از موضوع شکل گرفته است. به‌عنوان مثال، بزهکاری یقه‌سرخ‌ها، ازجمله مفاهیم جدید جرم‌شناختی است که با تاسی از گونه‌شناسی بزهکاران توسط ساترلند به معرفی قسمی نوین از بزهکاران پرداخته است (دارابی، ۱۳۹۸: ۳۳)، اما یقه‌سرخ‌ها با فرانک اس پری دادستان دادگاه پرونده قتل سال ۲۰۰۴ جورج هانسن^۳ پر رنگ شد. در این پرونده، متهم شریک تجاری خود را کشت تا از کشف یک رسوایی کلاهبرداری جلوگیری کند. افشای انگیزه این پرونده علاقه پری را به جرم یقه‌سفیدها برانگیخت. او متعجب بود که آیا این مجرمان یقه‌سفید زیرگروه جدیدی از مجرمان را تشکیل می‌دهند؟ او پرونده‌های قتل را با انگیزه‌های مشابه جمع‌آوری کرد. اسناد قانونی، مانند محاکمه قتل افشا شده در روزنامه‌ها، و احکام دادگاه‌های عمومی را که در آن بزهکار یقه‌سفید به قتل یا اقدام به قتل محکوم شده بودند، مطالعه و کشف کرد که تحقیقات آکادمیک مطالعات کمی روی بزهکار یقه‌سفید باتوجه

³- People Of The State Of Illinois V. George Hansen

¹- White Collar

²- Frank S. Perri

۱- الگوها و نگرش‌های رفتاری مجرمین یقه‌سفید

بی‌تردید یکی از منابع عمده ناامنی در جوامع بشری آن دسته از رفتارهایی است که در قوانین کیفری در قالب فعل یا ترک فعل جرم‌انگاری شده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۲۶). تمرکز بر روی درمان شناختی - رفتاری، منجر به افزایش شدید علاقه به تفاسیر شناختی - رفتاری بزهکاران شده است. ظاهر امر چنین است که نظریه‌شناختی رفتاری در کنار نظریه یادگیری اجتماعی، نقطه تلاقی جرم‌شناسی و روان‌شناسی تلقی می‌شود. امروزه نظریه‌های جرم‌شناختی مختلفی، از جمله یادگیری و شناخت مطرح است و این مفاهیم برای نظریه‌های یادگیری رفتاری (مانند نظریه عامل) و نظریه‌های شناختی حالتی محورین دارد. با این وجود، زمانی که به دنبال نوعی فهم مشترک از واژه نظریه شناختی - رفتاری هستیم، مشکلاتی به وجود می‌آید (مگوایر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۷۶).

دکتر استانتون ثامنو^۱ روان‌شناس جنایی قانونی^۲، درباره این فکر هشدار می‌دهد که جرم در زمان عدم داشتن سابقه کیفری یا جرایم اجتماعی، در شأن بزهکار ملاحظه نمی‌گردد. او نسبت به استفاده از افکاری مانند داشتن سابقه شغلی قوی و ظاهرشدن در مقام یک عضو برجسته جامعه به‌عنوان مبنای شخصیت هشدار می‌دهد (Samenow, 2010: 27).

مطالعات بر روی بزهکار یقه‌سفید نشان داده است که این بزهکاران پس از فعل جنایی، تخصص کمتری نسبت به آن‌چه قبلاً تصور می‌شد، از خود نشان می‌دهند (Benson & Moore, 1992: 251-272). مطالعات خودگزارش‌دهی^۳ نشان داده است که سطوح سوءرفتار، چه در داخل و چه در خارج از محل کار، ممکن است فراتر از سوابق کیفری آن‌ها باشد (Menard et al, 2011: 21). این فرض برای هر دو جرم یقه‌سفید و غیریه‌سفید صادق است. پیش از این اعتقاد بر این بود که اقدامات غیرقانونی مجرمان یقه‌سفید غیرقانونی است. با این حال، سال‌ها تحقیق انجام‌شده توسط ثامنو، توضیح داد که هنوز مورد قابل مشاهده‌ای وجود ندارد که فردی خارج از شخصیت و شأن خود دست به عملی بزند.

به انگیزه‌ها و الگوهای رفتاری آن‌ها انجام گرفته است. در ادامه، پری همچنین کشف کرد که بزهکار یقه‌سفید خشن، بدون این‌که ناهنجاری‌های عجیب و غریبی باشند، عوامل خطر رفتاری را در درون خود جای داده‌اند. این عوامل استفاده آن‌ها از خشونت را به‌عنوان راه حلی برای مشکلشان ترویج می‌کنند. این موضوع با بزهکار غیریه‌سفید که به خشونت متوسل می‌شوند، حتی اگر انگیزه‌های متفاوتی داشته باشند، تفاوتی ندارد (Perri, 2015: 61-75). پری به دلیل مشارکت در پرونده هانسن در سال ۲۰۰۴ و اکتشافات تحقیقاتی در سال ۲۰۰۵، مجرمان یقه‌سفید را که به خشونت تبدیل می‌شدند، به عنوان «یقه‌سرخ» توصیف کرد.

نظام حقوقی اسلام با سایر سنت‌های حقوقی مانند قانون مدنی براساس تدوین یا قانون عرفی مبتنی بر سوابق قضایی الزام‌آور متفاوت است. در حقوق اسلامی نه سابقه تدوین قانون وجود دارد و نه استناد به سوابق قانونی الزام‌آور (Dainow, 1966: 419)، اما روند اجتهاد (استنباط قیاسی) در حقوق اسلامی (شریعت) مشابه مدل رویه قضایی است. در این راستا، علمای مسلمان بر سر تفسیر احکام شرعی و احکام الهی (خداوند) براساس احکام قرآنی و روایات صحیح سنت (ص) مناظرات داشته‌اند (Abdal-Haqq, 2002: 7). منابع اصلی حقوق کیفری اسلام، قرآن، سنت، اجماع و قیاس (استدلال فردی) همراه با سایر منابع تکمیلی است. در جایی که اصول قرآن و سنت به اندازه کافی یک مسأله حقوقی را حل نمی‌کند، روشنفکران مسلمان از فقه استفاده می‌کنند که فرایند استنباط و به‌کارگیری ارزش‌های شرعی برای رسیدن به یک هدف قانونی و روش‌ها و اجرای آن است. بسیاری از مکاتب فقهی (سنی، شیعه، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) در حال ظهور است (Bassiouni & Gamal Badr, 2002: 135). این مقاله از منظر توصیفی به اصول اصلی نظام عدالت کیفری اسلامی درخصوص فساد و ارتشا می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که تفاوت واقعی بین نظام اسلامی و سازوکارهای عدالت مثبت وجود ندارد.

³- Self-Reporting

¹- Dr. Stanton Samenow

²- Forensic Criminal

(Walters, 2002: 48). کسانی که مرتکب اعمال مجرمانه یقه‌سفید می‌شوند، اغلب به همان اندازه احتمال دارد که بزهکار یقه‌سرخ هم باشند.

مطالعات نشان داده است که میزان تکرار جرم بین جرایم یقه‌سفید و غیر یقه‌سفید، از جمله یقه‌سرخ‌ها قابل مقایسه است، هر دو نوع مجرم دارای ویژگی‌های فکری و انحرافی جنایی هستند که تقریباً با یکدیگر یکسان است، به‌ویژه در بین بزهکاران خطرناک‌تر (Walters, 2002: 46)، هنگامی که یک الگوی قابل مشاهده از فعالیت‌های کلاه‌برداری وجود داشته باشد، بزهکار یقه‌سفید با مجرم خیابانی قابل مقایسه‌تر می‌شوند. این مقایسه جدید آن‌ها را در دسته‌ای قرار می‌دهد که به‌عنوان شکارچیان^۶ یا بزهکار وسواسی دیده می‌شوند.

۱-۱- نگرش‌های رفتاری مجرمین یقه‌سفید

بعضی از نویسندگان برای مثال سلین، اعتقاد دارند که برای مطالعه روان‌شناسی جرم‌شناسی، رفتارهای ضداجتماعی یا انحرافی موضوع مناسبی هستند که براساس تعریف حقوقی، جرم قسمتی از آن است. با توجه به این نکته، روان‌شناسی جرم شناسی باید افرادی را مطالعه نماید که رفتارهای ضداجتماعی دارند. به‌نظر می‌رسد در مقایسه با دیدگاه قانونمندی، دیدگاه رفتار انحرافی منطقی و رضایت‌بخش‌تر است. متأسفانه طبقه بندی رفتارها تحت عنوان رفتارهای ضداجتماعی یا انحرافی از دید مردم کاملاً درونی است. با توجه به بینش افراد ممکن است رفتاری ضداجتماعی یا موافق اجتماع باشد (پوتواین و سامونز، ۱۳۹۷: ۲۸).

ساترلند معتقد بود که جرایم یقه‌سفیدها را طبقه بالای جامعه مرتکب می‌شوند. این افراد معمولاً تأثیر زیادی در تجارت خود دارند. امروزه، محققان جرایم یقه‌سفید را به‌عنوان جرایمی که نخبگان مالی مرتکب می‌شوند، تعریف می‌کنند که از اعتماد و قدرت اعطایی در حرفه خود سوءاستفاده می‌کنند، این که پدیده جرم یقه‌سفید چیست و چگونه می‌توان آن را سنجید، هنوز

تحقیقات او همچنین نشان می‌دهد که اطلاعات کاملی پیرامون جنبه‌های رفتاری بزهکاران وجود ندارد. به‌عنوان مثال، رفتارهایی مانند فرآیندهای فکری انحرافی ممکن است قبل از ارتکاب جرم یا تخلف و احتمالاً به مدت طولانی باشد. بزهکار ممکن است این افکار آزاردهنده را در خود سرکوب کرده تا در فرصت مناسب عملی کند (Samenow, 2010: 31).

این واقعیت که مجرم ارتکاب افعال خاصی را برگزیده، به این معنی نیست که رفتار آن خارج از شخصیت وی است. همچنین به این معنا نیست که صفات ضداجتماعی را نمی‌توان از طریق آن افعال آشکار کرد (Perri et al, 2014: 14). این افراد از قدرت تجزیه و تحلیل هزینه و فایده یا ارزیابی ریسک برای مرتب‌سازی اقدامات خود بهره می‌برند. این پاسخ مرحله‌ای است که در آن، آن‌ها تصمیم می‌گیرند که آیا ارتکاب جرم ارزش هزینه‌های آن را دارد یا خیر. افراد در تمام سطوح اجتماعی - اقتصادی این پتانسیل را دارند که نگرش‌های ضداجتماعی جنایی داشته باشند. بسیاری از محققان ویژگی‌های تفکر بزهکارانه را مختص بزهکار یقه‌سفید دانسته‌اند و ساترلند اولین آن‌ها است (Gaylord & Galliher, 2020: 47). تفکر جنایی به‌عنوان یک الگوی فکری متمرکز یا تحریف‌شده تعریف می‌شود که شامل ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که از اقدامات بزهکارانه و سبک زندگی حمایت می‌کند (Walters, 2002: 49). این افکار رفتارهای قانون شکنانه را توجیه و منطقی جلوه می‌کند (Taxman et al, 2011: 74).

تفکر جنایی نقشی تأکیدی در حمایت، نگهداری و تقویت رفتار بزهکارانه بزرگسالان داشته است (Walters, 2002: 56). خصلت‌های بزهکارانه‌ای که معمولاً بروز یافته‌اند، اغلب شامل مواردی، از قبیل استحقاق^۱، عدم دلسوزی^۲، قدرت‌طلبی^۳، منطقی سازی^۴، سوءاستفاده^۵ و بی‌توجهی کلی به قوانین و هنجارها است. تفکر بزهکارانه و خصلت‌های ضداجتماعی هم برای بزهکار یقه‌سفید و هم برای بزهکار یقه‌سرخ اعمال می‌شود

⁴ - Rationalizations

⁵ - Exploitations

⁶ - Predator

¹ - Entitlement

² - Lack Of Empathy

³ - Power Orientation

مورد بحث محافل محققان است. با این حال، بسیاری از مواضع اولیه ساترلند هنوز هم درست هستند.

بزهکار یقه‌سرخ و یقه‌سفید را نباید به‌عنوان یک مجرم اشتباه گرفت. مجرمان یقه‌سفید سابقه مختلطی از جنایات یقه‌سفیدها و غیر یقه‌سفید دارند که ممکن است شامل سابقه خشونت‌آمیز نیز باشد. انگیزه نهفته در پس خشونت، زیرگروه مجرم یقه‌سرخ را تعیین می‌کند. بزهکار برای ساکت کردن کسانی که تهدید به کشف یا افشای طرح‌های متقلبانه آن‌ها می‌کنند، دست به خشونت می‌زنند. «تشخیص کلاه‌برداری^۱، قتل نفس^۲» نیز از نوع دیگر طبقه‌بندی این گونه از قتل است. چندین آرای قضایی مکتوب و حقایق پرونده برگرفته از افشای تحقیقات و پیگردهای قانونی، شواهدی از ماهیت برنامه‌ریزی شده این جرم ارائه می‌دهد. بررسی این حقایق موردی از پرونده‌ها، چندین نتیجه را در مورد انگیزه اصلی دنبال دارد (Perri, 2015: 61-75). مطالعات عمیقی در مورد تعداد جرایم یقه‌سرخ انجام نشده است. مطالعات گذشته بر روی آمار توصیفی مانند سن، جنسیت، نژاد، کلاه‌برداری‌های قبل از قتل، قربانی‌شناسی و آرایش رفتاری تمرکز داشتند. پری معتقد است که شروع به تحقیق در مورد جنایات یقه‌سرخ‌ها سودمند است، حتی مطالعه خودش الگویی برای اصلاح و شفاف‌سازی ویژگی‌های این نوع جرم ارائه می‌دهد (Perri, 2015: 74).

۱-۲- رفتار بزهکاران یقه‌سفید

جامعه رفتار غیرقانونی را برای بزهکار یقه‌سفید غیرقانونی می‌داند، زیرا آن‌ها را به‌عنوان شهروندانی شاغل، تحصیل کرده و قانونمند می‌شناسد. این مجرمان ممکن است رفتارهای اخلاقی مثبتی را در حوزه‌های زندگی خود بروز داده باشند، بنابراین باوجود شدت و عواقب جنایاتشان، کمتر به‌عنوان رفتارهای بزهکارانه دسته‌بندی می‌شوند (Brody & Kiehl, 2010: 125-145). دانشمندان و کارشناسان علوم رفتاری در گذشته برخلاف مجرمان غیر یقه‌سفید، خصلت‌های بزهکارانه‌اندیشی را در مورد بزهکار یقه‌سفید اعمال نمی‌کردند، بنابراین این تصور غلط برای دهه‌ها ادامه داشت. تلاش‌ها بر

روی بررسی جرایم شاخصی مانند اموال، جرایم مرتبط با مواد مخدر، خشونت و سرقت متمرکز بود. محققان همچنین تمرکز خود را به‌سمت فرآیندهای اجتماعی^۳ در یک سازمان سوق دادند که ممکن است به‌مثابه «عوامل خطر برای شکوفایی تقلب» عمل کنند (Sutherland, 1949: 19). با انجام این کار، آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی فردی را به‌عنوان عوامل خطر بالقوه مجرم تقلب رد کردند (Perri et al, 2014: 71-88). بزهکار یقه‌سفید و غیر یقه‌سفید، الگوهای فکری و نگرش‌های بزهکارانه مداومی را در مورد شرایط مورد سوءاستفاده از خود نشان می‌دهند (Samenow, 2010: 31). شناخت تفکر بزهکار جرایم یقه‌سفیدها مهم است، اما این امر مستلزم رد این افسانه است که این نوع بزهکاران نماینده گروه‌های مجرم مشابه نیستند. سوابق جنایی یقه‌سفید و سطوح انحراف با بزهکار غیر یقه‌سفید تفاوتی ندارد (Walters, 2002: 47).

عدم توجه به تفکر جنایی یقه‌سفیدها این فرض را تقویت می‌کند که بزهکاران ممکن است از نقطه ضعف آسیب‌پذیری ترس خود از افشای اسرار برای هدف قراردادن قربانیان استفاده کنند. این جنایات ممکن است توسط همان افرادی انجام شود که تصور می‌شود توانایی توسل به خشونت و اقدامات بزهکارانه را ندارند. الگوهای خطر رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی این بزهکاران باید مورد مطالعه قرار گیرند تا بتوانیم درک خود را از بزهکار یقه‌سفید بالا ببریم.

درخصوص تکلیف قانونی این جرم جنایی (جرم یقه‌سفیدها)، علمای مسلمان در تعریف آن اختلاف نظر دارند. از نظر ریشه‌شناسی، هر نوع فساد، شرارت، سوءاستفاده، انحطاط، فساد، فسق، شرارت، نابرابری، تقلب، سوءاعتماد و انحراف را در گروه یقه‌سفیدها و قتل را در گروه یقه‌سرخ‌ها می‌دانند. از نظر معرفتی، در بین فقهای مسلمان در زمینه کیفری، توصیفات زیادی وجود دارد، چنان‌که برخی استدلال کردند که راشوا (رشوه) اصلی‌ترین شکل فساد است و آن را به‌عنوان آن‌چه برای بطلان (باطل) حق (حق) یا اعتباربخشیدن به آن داده می‌شود، تعریف کردند. قانونی کردن (باطل، فریب یا دروغ). دیگران

³- Social Processes

¹- Fraud Detection

²- Homicide

حضرت محمد (عمر بن الخطاب) در زمان انتصاب، اموال مقامات دولتی را ثبت می‌کردند و هرچه را که در زمان حکومت به‌دلیل تردید در بهره‌مندی از شغل خود اضافه می‌کردند، به طور کامل یا جزئی ضبط می‌کردند.

۲- الگوها و نگرش‌های رفتاری مجرمین یقه‌سرخ

در این قسمت به بررسی الگوها و نگرش‌های رفتاری مجرمین یقه‌سرخ پرداخته می‌شود.

۲-۱- خطرات رفتاری یقه‌سرخ

تحقیقات فعلی در مورد جرایم یقه‌سرخ‌ها نشان می‌دهد که این مجرمان مشتاقانه در اعمال خشونت‌آمیز شرکت می‌کنند. این خشونت ممکن است با استفاده از سلاح گرم، مواد کنترل‌شده، خفه‌کردن دستی و ضربه‌های شدید باشد. این مجرمان همچنین مایل به پذیرش ارتکاب قتل در ازای گرفتن وجه نقد هستند (Perri, 2019: 22). از این رو برای درک بهتر این جرایم، به توصیف ویژگی‌های رفتاری جرایم یقه‌سفیدها پرداخته می‌شود.

پری در تحقیقات خود ویژگی‌های شخصیتی بزهکار یقه‌سرخ را برجسته کرد. این ویژگی‌ها به افزایش خطر ارتکاب جرایمی مانند اختلاس، فرار مالیاتی یا کلاهبرداری در جامعه سفیدپوست دلالت می‌کند. او به ویژگی‌های جامعه‌ستیزی و خودشیفتگی اشاره کرده و بیان می‌کند که برای تبدیل شدن از بزهکار یقه‌سفید به بزهکار یقه‌سرخ، مهم هستند.

از ویژگی‌های افراد جامعه‌ستیز خودمحوری آنان است. آن‌ها دارای نگرش‌های دستکاری، فریبکاری و سوءاستفاده هستند و ابزار آن‌ها همیشه هدف را بدون توجه به جرم توجیه می‌کند (Ray, 2007: 71). آن‌ها پیامدهای زیان‌بار اعمال خود را به حداقل می‌رسانند، با توجیهات سطحی، اعمال نادرست خود را خنثی می‌کنند و تمایل دارند قربانیان خود را به‌خاطر اعمالشان نسبت به خود سرزنش کنند. جامعه‌ستیزها توانایی دروغ‌گفتن بدون عذاب وجدان را دارند و می‌توانند افراد با ماهر را تحت

ادعا کردند که رشوه هدیه‌ای است، چه به‌صورت واقعی یا پولی که به قضات، سران کشورها، مقامات دولتی و سایر تصمیم‌گیرندگان/ سیاست‌گذاران ارائه می‌شود تا امکان صدور حکم یا حکم مساعد فراهم شود. دیگر روشنفکران گفتند رشوه خواری سوءاستفاده از قدرت قضایی یا اداری یا قدرت سیاسی، اعتماد یا صلاحیت مالی است. بر این اساس، اکثر حقوق‌دانان جنایی مسلمان، رشوه را مظهر فساد می‌دانند: «چیزی که توسط رشوه‌دهنده داده می‌شود و رشوه‌دهنده دریافت می‌کند، صرف نظر از این که یک چیز مادی یا معنوی، پول یا منفعت باشد.» بنابراین جنایات یقه‌سفید را می‌توان به‌عنوان پوشش [پوشش] امور حاکمیتی، تصمیم‌گیری، قوانین از طریق توییح سوءاستفاده از اعتماد به کارمندان دولتی از طریق اعمالی مانند پذیرش هدایا، اختلاس مطلق یا اختلاس، پس از بررسی دانشگاهیان مسلمان توصیف کرد. تضییع بودجه عمومی و تضعیف قوانین در ازای دریافت رشوه، بنا به توصیه یا به‌دلیل ملاحظات خانوادگی و قبیله‌ای.

برجسته‌کردن تمایز بین رشوه‌خواری و مفاهیم متعدد دیگری که در ارتباط نزدیک با آن هستند که شامل درآمدهای غیرقانونی، هدایا، خیریه‌ها و حقوق است، حائز اهمیت است. قدرت. از سوی دیگر، الهیده به‌معنای دادن چیزی است که به صورت واقعی یا پولی و به پشتوانه قرآن است، بدون هیچ‌گونه جبرانی. بنابراین هدف از هبه و رشوه، انتقال منفعت به دیگری است، هرچند با هبه، اجرتی انتظار نمی‌رود و در مقابل، رشوه دهنده منفعت خصوصی خود را از رشوه پیش‌بینی می‌کند. ۳۵ صدقه به‌معنای دادن آن به فقرا برای برخورداری از برکت و رحمت الهی است که تنها هدف واقعی از دادن آن است، بنابراین شامل بخشش بدون غرامت پولی و غیرنقدی است. گاهی رشوه‌دهنده فقیری است یا رشوه‌دهنده برای نزدیک شدن به او هرچه می‌خواهد بدهد، ولی درواقع منفعت خصوصی دارد و در این صورت صدقه تبدیل به رشوع مکنه می‌شود (رشوه). الغال (اجرت) یک تعهد پولی معلوم بر کار معین اعم از معلوم یا مجهول است، اگرچه در اصل مشروع است، اما برخی از آموزه‌ها (به‌عنوان مکتب شافعی) آن را در مواقعی که ممکن است معاملات متقلبانه را پنهان کند، ممنوع می‌کند، مثلاً اگر مانعی برای تحقق سایر منافع مشروع عمومی باشد. اصحاب

کنترل خود درآورند. این کیفیت به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به راحتی قربانیان خود را متقاعد کنند.

خودشیفتگی یک اختلال شخصیتی است که شامل حس قوی اعتماد به نفس است. با احساس آشکار تحسین بیش از حد، خودبزرگ‌بینی و عدم همدلی نسبت به دیگران اغراق می‌شود. افراد خودشیفته تصویری اغراق‌آمیز از توانایی‌ها و پتانسیل‌های خود دارند. این ویژگی به تفاوت‌های فردی نسبتاً پایدار اشاره دارد که شامل تکبر، خودخواهی و خودبزرگ‌بینی می‌شود. علاوه بر این، مشخص می‌شود خودانگاره‌های متورم خودمهم‌انگاری، خیال‌پردازی در مورد پیشرفت، نیاز شدید به دریافت تحسین علی‌رغم فقدان کارکرد اجتماعی و بین فردی مناسب، استثمار دیگران و نداشتن همدلی، الفزنی، رفتار پرخاشگرانه با دیگران، بدزبانی، بی‌ثباتی هیجانی، مطلوبیت پایین و برون‌گرایی شدید از دیگر ویژگی‌های افراد خودشیفته است (میکائیلی منیع و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۱۳).

آن‌ها بر این باورند که برتر و منحصر به فرد هستند و همین امر نیاز آن‌ها را برای ارضای دستاوردهایشان تحریک می‌کند. این افراد به اندازه‌ای برای خود ارزش قائل هستند که به خواسته‌ها و احساسات دیگران بی‌توجهی می‌کنند (Alalheito & Azarian, 2018: 215-226). آن‌ها تمایل دارند از موفقیت‌ها و دستاوردهای شخصی افراد سوءاستفاده کنند و روابط بین فردی آن‌ها را به شیوه‌ای دستکاری و بیش از حد ابزاری تقویت کنند. احساس حق‌طلبی شدید آن‌ها را وادار می‌کند تا باور کنند که نسبت به مردم عادی امتیازات ویژه‌ای دارند. بزهکاران یقه‌سفید ممکن است این ویژگی‌ها را داشته باشند و دانستن آن ممکن است مشخصات مجرمان یقه‌سرخ را شفاف کند.

تصورات غلطی که در اطراف نمای یقه‌سفید وجود دارد، در حال اصلاح است. تحقیقات جدید این گروه مجرم به‌گونه‌ای تعریف می‌کند که براساس عقیده نیست. روزبه‌روز روشن شده که بزهکاران یقه‌سفید، مجرمان مختلفی را برای ارضای انگیزه‌های دلهره‌آور خود انتخاب می‌کنند که گاهی اوقات می‌تواند شامل استفاده از اشکال خشونت برای حل مشکلات آن‌ها باشد.

تحقیقات نشان می‌دهد که دیگر هیچ‌یک از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری نباید نادیده گرفته شوند، زیرا ممکن است در معرض رفتارهای کشنده یقه‌سفید قرار بگیرند که در لایه‌های زیرین نهفته است (Ragatz et al, 2012: 978-997). عوامل مهم الگوی نقض تخلف در مشاهدات را می‌توان به‌راحتی نادیده گرفت، عواملی که می‌توانند به سرعت مشکل ساز شوند.

شواهد بیانگر این است که بین گرایش ضداجتماعی و تأیید اساسی خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی رابطه معناداری وجود دارد. هنگامی که این رویداد با یک طرز فکر بزهکارانه ترکیب شود، یک رابطه منفی ایجاد می‌کند، سپس این پاسخ خطر رفتار بزهکارانه یقه‌سفید را افزایش می‌دهد و به رفتار بزهکاری یقه‌سرخ تبدیل می‌کند (Brody & Kiehl, 2010: 125-145).

۲-۲- خشونت ابزاری و واکنشی^۱

وقتی جرم در ابتدا هدفمند باشد، قتل با استفاده از خشونت ابزاری درجه‌بندی می‌شود. ممکن است هیچ مدرکی دال بر تحریک مستقیم موقعیتی یا احساسی وجود نداشته باشد. هرچه میزان تهدید درک و احساس شده بیشتر باشد، احتمال روی آوردن آن‌ها به خشونت بیشتر خواهد بود (سردارنیا، ۱۳۹۷: ۱۹۲).

خشونت ابزاری، وسیله‌ای برای رسیدن به هدف دارد، این احتمال خشونت است که مستقیماً با انگیزه انجام می‌شود (Hart & Dempster, 1997: 78). این شواهد حاکی از فاصله زمانی بین ناامیدی یا تحریک (که به‌عنوان دوره سردشدن نیز شناخته می‌شود) و قتل را نشان می‌دهد و قتل نفس را استفاده از خشونت ابزاری طبقه‌بندی می‌کند. برای این که یک قتل به‌عنوان خشونت واکنشی درجه‌بندی شود، باید شواهد غیرقابل انکاری وجود داشته باشد که این جرم در سطح بالایی از خودانگیختگی و فاقد برنامه‌ریزی یا طرح‌ریزی قبلی ارتکاب یافته است. این واکنش سریع قبل از ارتکاب قتل، بدون هدف خاصی، آسیب‌رساندن فوری به تحریک تلقی می‌شود.

^۱ - Instrumental and Reactive Violence

خشونت واکنشی اغلب بین اعضای خانواده و آشنایان رخ می‌دهد، برخلاف خشونت ابزاری که اغلب بین افراد غریبه رخ می‌دهد.

۲-۳- جنسیت و جرم یقه‌سرخ‌ها

محدود کردن کار به مردان در گذشته، شکاف بزرگی در درک این موضوع ایجاد کرده که زنان چطور ممکن است به ارتکاب جرم متفاوت فکر کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که بعید است زنان در طرح‌های بزرگ یقه‌سفید شرکت کنند. آن‌ها تمایل دارند در نقش‌های فرعی بیشتری شرکت کنند. هنجارهای جنسیتی زنانه و نگرانی ذاتی برای دیگران ممکن است جابه جایی مسئولیت این نوع جرایم را شفاف سازد. بررسی آمارهای متعدد نشان می‌دهد که ارتکاب جرم اصولاً امری مردانه است، البته نه به این معنا که زنان قادر به ارتکاب جرم نیستند، بلکه مردان به دلیل حضور گسترده در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی فرصت ارتکاب جرم بیشتری دارند. «در همین راستا اجرای نظریه‌های جرم‌شناسی در مورد زنان معمولاً با مشکل مواجه است و می‌توان گفت ادبیات جرم‌شناسی مجرمیت زنان را به خوبی تحت حمایت خود قرار نداده است و نظریه‌های روان شناختی جرم نیز مانند تیپ‌های زیست‌شناسی، بزهکاری را با انواع خاص شخصیت مربوط می‌داند و تقریباً همه نظریه‌های جامعه‌شناختی زنان را نادیده گرفته‌اند» (دیاموند، ۱۳۸۳: ۸۱). «همان‌طوری که بنابه شرایط و عوامل مؤثر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در هر جامعه، موقعیت‌های زن و مرد متفاوت می‌باشد، نوع و آمار جرایم هر یک از آن‌ها نیز مختلف است و این اختلاف فاحش در میزان جرایم ارتكابی آنان به وضوح دیده می‌شود، زیرا آمار جرایم زنان درصد بسیار کمتری نسبت به آمار جرایم مردان تشکیل می‌دهد» (حیدری، ۱۳۹۸: ۳۰۶-۲۹۷).

مطالعه‌ای که مردان و زنان را در تفکر کیفری مقایسه می‌کند، شباهت کلی بین این دو جنس را نشان می‌دهد. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که زنان در مؤلفه‌های امتیازدهی شده به صورت جداگانه، کمی بالاتر از مردان امتیاز کسب کردند. این شباهت در سبک‌های تفکر باتوجه به این که توزیع جرم در جرایم یقه‌سفید نابرابر است، قابل توجه است، مثلاً اختلاس را در نظر بگیرید. احتمال ارتکاب آن توسط زنان جوان در مقایسه با مردان تقریباً دو برابر است (Galvin, 2020: 61-69). این امر نشان می‌دهد که علی‌رغم هنجارهای جنسیتی، تفاوت کمی در روند شناختی بین بزهکار زن و مرد که متهم به جرایم یقه‌سفید یا سرخ هستند، وجود دارد، با این حال، زنان کمتر درگیر فعالیت‌های بزهکارانه هستند و این شامل جرایم یقه‌سفید و یقه‌سرخ نیز می‌شود (Belknap, 2001: 98). زنان نیز رفتارهای ضداجتماعی از خود نشان می‌دهند که همراه با اختلالات شخصیتی متنوع است و این موضوع نشان می‌دهد که تفکر جنایی در موارد یقه‌سرخ ممکن است عوامل خطر یکسانی را در بین جنسیت‌ها نشان دهد. برای مثال، جامعه‌سنجی توسط هر دو جنس بروز می‌یابد. با این حال، تحقیقات معمولاً مردان را بزهکار فرض قرار می‌دهند. چندین گزارش بالینی از زنان جامعه‌سنجی وجود دارد، درحالی‌که مسلماً تحقیقات تجربی بسیار کمی در مورد جامعه‌سنجی زنان وجود دارد، کلیشه‌ها و نقش‌های جنسی سفت و سخت در جامعه و تشخیص اختلالات شخصیت تا حد زیادی تحت تأثیر انتظارات نقش جنسی قرار دارند. این نظر ممکن است دلیل غفلت در تحقیق باشد (Widom, 1978: 208-245). مردان و زنانی که تمایلات جامعه‌سنجی دارند ویژگی‌های عاطفی و بین فردی مشابهی دارند، این موضوع می‌تواند شامل خودمحوری، فریبکاری، احساسات سطحی و عدم دلسوزی باشد (Carozza, 2008: 115-138).

از شناسایی و پیگرد قانونی استفاده شده است. تری می‌دانست که در خطر دستگیر شدن قرار دارد، بنابراین نقشه‌ای را طراحی کرد که به او کمک می‌کرد تا از کارهایش خلاص شود (نیویورک‌تایمز، ۱۹۸۸). تری ویژگی‌های مشابه یک خودشیفته و روان‌پریش را با اعمالش نشان داد. او با متنی ملاقات کرد و در نتیجه برای ایجاد رابطه وقت گذاشت. تری پس از کشتن او، جسد را تکه‌تکه کرد و داخل سطل زباله انداخت. این رویداد از شواهد افرافی حمایت می‌کند (جان دیوید تری علیه ایالت تنسی، ۲۰۰۱). بازرسان همچنین شواهد خون و DNA را در

^۱- کشیش جان دیوید تری (سفیدپوست، ۳۲ساله) در ۱۵ ژوئن ۱۹۸۷، جیمز متنی^۱ (سفیدپوست، ۳۲ساله) را به ضرب گلوله کشت. قبل از مرگ متنی، تری از اوایل سال ۱۹۸۴ از بودجه کلیسا سوءاستفاده می‌کرد. تری به اتهام قتل در درجه اول محاکمه شد و در سال ۱۹۸۸ محکوم شد. تری با تعریف بزهکار یقه‌سرخ مطابقت دارد، زیرا در حال اختلاس از کلیسایی که بر آن قدرت داشت، دستگیر شد. او قبل از کشتن متنی نقشه کلاهبرداری خود را انجام داد. او متنی را کشت، زیرا ممکن است فعالیت کلاهبرداری را کشف کرده باشد و از جسد متنی نیز برای جلوگیری

۳- پیشگیری از جرم یقه‌سفید و یقه‌سرخ

بهترین راه برای جلوگیری از جرایم یقه‌سفید و در نتیجه جرایم یقه‌قرمز این است که کسب و کارها فرآیندی داشته باشند که از طریق آن، جرایم یقه‌سفید و پیش از هرگونه اتفاقی که منجر به ارتکاب جرم یقه‌سرخ شود، به‌طور ناشناس گزارش شود. بسیاری از جرایم یقه‌سفید قابلیت کشف زودهنگام را دارند، این امر زمانی اتفاق می‌افتاد که کارمندان چنین اختیاری داشته باشند که در صورت آگاهی از هرگونه کلاهبرداری گزارش داده و در صورت امکان مستوجب پاداش گردند. برای کسب و کارهایی که خدمات پاداش در محل ندارند، راه حل بالقوه دیگر ایجاد یک طرح و برنامه ایمن و مصونیت برای کارکنان است.

در این میان، اخذ گواهی سلامت روان در بدو استخدام که توسط متخصصین امر تأیید می‌شود و حضور نوبه‌ای روان‌شناس در مؤسسات و بنگاه‌ها می‌تواند در شناسایی افراد واجد اختلال شخصیت ضداجتماعی، پیش‌بینی خشونت بالقوه بیماران و ارجاع ایشان به درمانگاه‌های شناخت رفتار در پیشگیری نسبی از جرایم یقه‌سرخ‌ها مؤثر باشد، همچنان که روان‌درمان به‌عنوان یک روش مفید و کارآمد می‌تواند در درمان جامعه‌ستیزی یقه‌سرخ مؤثر بوده و به‌طور مؤثری از ارتکاب قتل توسط این طیف از مجرمین بکاهد (دارابی، ۱۳۹۷: ۱۵۴-۱۳۳).

نتیجه‌گیری

این مقاله خشونت ابزاری و واکنشی را برای درک بهتر جنایتکاران یقه‌قرمز مقایسه کرد. نتایج نشان داد قاتلان معروف به یقه‌سرخ صرفاً دارای نقص در قضاوت نبوده‌اند. در تمام موارد، کلاهبرداری باید قبل از قتل یا هم‌زمان با آن اتفاق می‌افتاد. وقتی جرم ابتدا هدفمند باشد، قتل با استفاده از خشونت ابزاری درجه‌بندی می‌شود. ممکن است شواهدی از تحریک مستقیم موقعیتی یا احساسی وجود نداشته باشد. برای این که قتل به‌عنوان خشونت واکنشی رتبه‌بندی شود، باید شواهد غیرقابل انکاری وجود داشته باشد که این جنایت در سطح بالایی از خودانگیختگی و فاقد برنامه‌ریزی یا طرح‌ریزی قبلی بوده است. در بیشتر موارد یقه‌سرخ‌ها، مجرم قربانی را می

شناسد که بازتاب خشونت واکنشی است. با این حال، این عمل ذاتاً بسیار ابزاری است. تمایز بین جنسیت در جرایم یقه‌سفید نیز برای درک بیشتر بزهکار یقه‌قرمز مورد بحث قرار می‌گیرد. مطالعه‌ای که مردان و زنان را در تفکر جنایی مقایسه می‌کند، شباهت کلی بین این دو جنس را نشان می‌دهد. این نشان می‌دهد که علی‌رغم هنجارهای جنسیتی، تفاوت کمی در روند شناختی بین بزهکار زن و مرد که متهم به جرایم یقه‌سفید هستند، وجود دارد، با این حال، زنان کمتر درگیر فعالیت‌های بزهکاره هستند و این شامل جرایم یقه‌سفید نیز می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که تفکر جنایی در موارد یقه‌قرمز ممکن است عوامل خطر یکسانی را در بین جنسیت‌ها نشان دهد. این مقاله نشان داد که الگوهای رفتاری بزهکارانه یقه‌سرخ‌ها را می‌توان با رفتارهای بزهکارانه خیابان مقایسه کرد و شباهت‌هایی را نشان داد. این رفتارها ممکن است شامل ویژگی‌های جامعه‌ستیزی و خودشیفتگی باشد که برای تبدیل شدن بزهکار یقه‌سفید به یقه‌سرخ مهم می‌نماید. درنهایت، این نوع بزهکاری بیش از آن‌چه پری ادعا می‌کند، یک ناهنجاری است. در بررسی این پدیده، تصورات نادرستی را که در مورد جنایات یقه‌سفیدها احاطه شده است، زوده شد. این درک از جرم یقه‌سرخ می‌تواند سطح جدیدی از آگاهی را در مطالعه رفتار بزهکارانه ارائه دهد. دانستن ویژگی‌های این مجرمان ممکن است به جلوگیری از سرخ‌شدن جنایت یقه‌سفید کمک کند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نفر اول به‌عنوان همکار اصلی و نفر دوم به‌عنوان نویسنده مسؤول عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اکبرزاده بنگر، حبیب و پوراسکی روجا، محمدعلی (۱۳۸۷). «سیاست کیفری ایران در قبال جرم یقه‌سفیدها». نشریه مطالعات حقوق خصوصی، ۳۸(۴): ۲۳۹-۲۵۴.
- پوت واین، دیوید و سامونز، آیدین (۱۳۹۷). روان‌شناسی و جرم. ترجمه داوود نجفی توانا، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- حیدری، ایمان (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر جنسیت در ارتکاب جرم با نگاهی ویژه به وضعیت زنان در دهه‌های اخیر». فصلنامه مطالعات حقوقی، ۳(۲۹): ۲۹۷-۳۰۶.
- دارابی شهرداد (۱۳۹۷). «پیشگیری از جرایم خونین یقه‌سرخ‌ها». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۹(۲): ۱۳۳-۱۵۴.
- دارابی شهرداد (۱۳۹۸). بزهکاری یقه‌سرخ‌ها. چاپ اول، تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان.
- دیاموند، آی اس (۱۳۸۳). تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی جدید. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- مگوایر، مایک؛ مورگان، راد و رینر، رابرت (۱۳۹۵). دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان.
- موسوی مجاب، سیددرد (۱۳۸۳). «بزهکاران یقه‌سفید». نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۸(۳): ۶۱-۸۴.
- میکائلی منیع، فرزانه؛ صالحی، مجتبی و احمدی خویی، شاهپور (۱۳۹۶). «سه‌گانه تاریک شخصیت در افراد مجرم و غیر مجرم خودشیفتگی - ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی». دوفصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، ۱۵(۱): ۱۱۳-۱۲۶.

ب. منابع انگلیسی

- نجفی ابرند آبادی، علی‌حسین (۱۳۹۶). علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری). چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- Alalheto, T & Azarian, R (2018). "When White Collar Criminals Turn to Fatal Violence the Impact of Narcissism and Psychopathy". *Journal of Investigating the Psychological Offender Profile*, 3(15): 215-226.
- Belknap, J (2001). *The invisible woman Gender crime and justice*. 2nd ed., Belmont: Publications Thomson/ Wadsworth.
- Benson, ML & Kerley, KR (2001). *Life-course theory and white-collar crime Contemporary Issues in Criminal Justice*. NJ: Publications Prentice Hall.
- Benson, ML & Moore, E (1992). "Are white-collar and common offenders the same? An empirical examination and theoretical critique of a recently proposed general theory of crime". *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 5(29): 251-272.
- Bonger, WA (1916). *Criminality and economic conditions*. Boston: Publications Little Brown.
- Brody, RG & Kiehl, KA (2010). "From white-collar to red-collar crime". *Journal of Financial Crime*, 17(3):125-145.
- Carozza, D (2008). "These men know snakes in suits". *Journal of Fraud Magazine*, 22(4):115-138.
- Cherif Bassiouni, M & Gamal, B (2002). *The Sharia'h Sources Interpretation and Rule-Making*, *Journal of Islamic & Near Eastern*, 15(135): 150-157.
- Galvin (2020). "Gender and White-Collar Crime - Theoretical Issues". *Journal of Criminal Justice Studies*, 33(1): 61-69.
- Gaylord, MS & Galliher, JF (2020). *The Criminology of Edwin Sutherland*. 1th edition, Beja: Publications Routledge.

- Sutherland, EH (1939). *The white-collar criminal*. 2nd ed., Philadelphia: American Sociological and Economic Societies.
- Sutherland, EH (1949). *White-collar crime*. NY: Publications Holt Rinehart & Winston.
- Taxman, FS; Giuranna Rhodes, A & Dumenci, L (2011). Construct and Predictive Validity of Criminal Thinking Scales. *Journal of Criminal Justice and Behavior*, 38(2): 174-187.
- Walters, GD (2002). *Criminal belief systems*. 3rd ed., London: Praeger Publishers.
- Widom, C (1978). "Toward an understanding of female criminality". *Journal of Experimental Personality Research*, 5(8): 208-245.
- Hart, SD & Dempster, RJ (1997). *Impulsivity and psychopathy*. 1th edition, NY: The Guilford Press.
- Irshad, A (2002). "Islamic Law An Overview of its Origin and Elements (noting the different sources of Islamic law and the meaning of the public interest's interpretation)". *Journal of Islamic Law and Culture*, 3(7): 27-81.
- Listwan, SJ; Picquero, NL; & Van Voorhis, P (2010). "Recidivism among a white-collar sample: Does personality matter? ". *The Australian and New Zealand Journal of Criminology*, 43(1): 156-174.
- Menard, SR, Morris, G, Gerber, J & Covey, HC (2011). "Distribution and correlates of selfReported crimes of trust". *Deviant Behaviour*.
- Oseph, D (1966). "The Civil Law and the Common Law Some Points of Comparison", *American Journal of Comparative Law*, 15(35): 419-420.
- Perri, FS (2015). "Red Collar Crime". *International Journal of Psychological Studies*, 8(1): 61-75.
- Perri, FS (2019). *White-collar Crime-Organizational Misconduct and Fraud Examination an Accounting Behavioral and Criminological*. 3rd ed., Beja: Kindle Publishing.
- Perri, FS; Lichtenwald, TG, & Mieczkowska, EM; Sutherland, C (2014). "beyond White-collar crime and psychopathy". *International Journal of Psychological Studies*, 6(4): 71-88.
- Ragatz, L; Fremouw, W & Baker, E (2012). "The psychological profile of white-collar offenders Demographics criminal thinking psychopathic traits and psychopathology". *Journal of Criminal Justiceand Behavior*, 39(7): 978-997.
- Ray, J (2007). *Psychopath attitudinal beliefs and white-collar criminals*. 2nd ed., USA: Publishing University of South Florida.
- Samenow, SE (2010). *The myth of the out of character crime*. 2nd ed., CT: Preager Publishers.